



تفسیر قرآن مجید

سوره فرقان - آیه: ۷۶

وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا
 ما را پیشوای پرهیزگاران قرار بده

پیشوای پرهیزگاران

یکی از نعمت های بزرگ که نردبان ترقی و وسیله تکامل است ، حس تقلید و پیروی از گفتار و رفتار دیگران است ، اگر بشر بدون این حس ، آفریده شده بود از بسیاری از مواهب که از رهگذر پیروی از دیگران به دست می آید ، باز می ماند .
 حس تقلید و پیروی ، در کودک بیش از دیگران است ، و در طبقات دیگر در افرادی که هنوز شخصیت و زمینه فکری آنان شکل نگرفته است ، بیش از افراد دیگر می باشد .
 اگر کودک ، زبان مادری را فرا می گیرد ، در اثر همان غریزه دنباله روی است که او را از حالت نخستین ، و " عدم آگاهی محض " به صحنه آگاهی وارد می سازد و اگر چنین حسی بر او حکومت نمی کرد ، و از گفتار و رفتار پدر و مادر ، پیروی نمی نمود هرگز لب به سخن نمی گشود و رفتاری را نمی آموخت .

این نه تنها کودک است که بسیاری از مواهب را از این راه بدست می‌آورد، بلکه چنانکه اشاره شد افرادی نیز که شخصیت آنان به‌طور کامل شکل نگرفته، و در روح و روان آنها خلاءای وجود دارد، می‌توانند از طریق پیروی از دیگران به‌مقامی برسند. گزینه پیروی، انسان‌ها را خواه ناخواه به پیروی از دیگران وادار می‌سازد، و لذا مهم این نیست که از کسی پیروی کنیم بلکه مهم این است که از چه کسی پیروی نمائیم و گفتار و کردار چه فردی را مدل زندگی و الگوی خود قرار دهیم.

نیازبشر به‌رهبر و پیشوا، نیاز اصیل و عمومی و قسمتی از آن زائیده مقتضیات زندگی اجتماعی‌اوست. و پیروی از فردی، یک امر تحمیلی از خارج، و یا در نتیجه تلقین کاذب نیست.

" اکنون که ضرورت راستین و گزینه درونی، ما را به پیروی از دیگران دعوت می‌کند، باید در تشخیص رهبر، و الگو و نمونه زندگی، بیش از هرچیزی بیندیشیم.

یکی از آشکارترین پدیده‌های دوره جوانی و بلوغ را، قهرمان پرستی می‌دانند. قهرمان پرستی به‌طور مستقیم، انگبخته‌ای از " نیاز به رهبری " است، اگر نوجوان به قهرمان برگزیده دسترسی نداشته‌باشد، حتی در عالم خیال و رؤیا از بسیاری از جهات او را الگو، و " مدل رفتار " خویش قرار می‌دهد و از تصور خاص خود از رفتار او، از گفتار او، از طرز لباس پوشیدن و به اصطلاح، ژست گرفتن او، از فریاد کشیدن، و بالاخره از هرچیز ممکن و در خور تصور او، الهام می‌گیرد، و از آن تقلید و پیروی می‌کند " قهرمان منتخب "، کعبه انطباق رفتار نوجوان است " ۱

● پیشوای فضیلت :

تصور ما از لفظ " امام " در آیه مورد بحث و مشابه آن، همان پیشوای فضیلت و الگوهای سعادت‌آفرین زندگی است که جادارد انسان زمام زندگی را به دست آنان بدهد، و از رفتار و گفتار آنان پیروی کند و اگر بنا باشد، برای زندگی خسود،

قهرمان و با قهرمانانی انتخاب کنیم منتخب ما باید گروهی باشد که امیر مومنان درباره آنان می فرماید

إِنَّ أَفْضَلَ عِبَادِ اللَّهِ عِنْدَ اللَّهِ إِمَامٌ عَادِلٌ هَدَىٰ وَهَدَىٰ ، فَأَقَامَ
سُنَّةَ مَعْلُومَةٍ وَأَمَاتَ بِدَعْوَةٍ مَجْهُولَةٍ وَإِنْ سَأَلْنَا النَّاسَ عِنْدَ اللَّهِ
إِمَامٌ جَائِزٌ ضَلَّ وَضَلَّ بِهِ فَأَمَاتَ سُنَّةَ مَا خُوذَهُ وَأَحْبَبِي بِدَعْوَةٍ
مُتْرُوكَةٍ ۲

بهترین بندگان خدا در پیشگاه او پیشوای دادگریست که خود هدایت یافته و مایه هدایت دیگران باشد ، سنت و روش های نیک را به یاد آورده است ها را از بین برد .
و بدترین بندگان خدا آن رهبر ستمگریست که گمراه باشد و دیگران به وسیله او گمراه گردند و سنت نیک را پایمال کند .

علی (ع) در این خطبه ، پیشوارا بر دو نوع تقسیم کرده و برای مردم دونوع امام و پیشوا اندیشیده است ، او در این تقسیم از کتاب آسمانی الهام گرفته است زیرا در قرآن این تقسیم به روشنی به چشم می خورد

وَجَعَلْنَا هُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا (انبیاء آیه ۷۳)

آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می کنند .
وَجَعَلْنَا هُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ
(قصص آیه ۴۱)

آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به آتش دعوت می کنند و روز رستاخیز کمک نمی شوند .

در این دو آیه ، دونوع امام و پیشوا ، رویاروی یکدیگر قرار گرفته اند و برای هر کدام ، ویژگی خاصی بیان شده است ، یکی دست پیرو را می گیرد و او را به سعادت رهبری می کند و دیگری پیشوای آتش است و او را وارد دوزخ می سازد .
از نظر قرآن همان گروهی که پیشوائی فردی را در این جهان برعهده دارد ، در

روز رستاخیز نیز این چنین مقام را برعهده خواهند داشت ، چنانکه می فرماید :

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنَاسٍ بِاِمَامِهِمْ (اسراء آیه ۷۶)

روزی فرار می رسد که هر مردمی را با امام و پیشوای خود

صدا می زنیم

درباره فرعون چنین می خوانیم

يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوِرْدُ الْمَوْرُودُ

(هود آیه ۹۸)

پیشوای قوم خود را برعهده دارد و آنان را بر آتش وارد

می سازد که بد جای ورودیست .

● ویژگی های امام در قرآن

قرآن به برخی از ویژگی های امام که الگوی سعادت و مایه خوشبختی انسان ها

می باشد ، اشاره کرده است

۱- عادل و دادگر باشد چنانکه می فرماید :

قَالَ اِنِّي جَاعِلٌ لِّلنَّاسِ اِمَامًا قَالُوْا وَمِنْ ذُرِّيَّتِيْ قَالَ لَئِن لَّا يَنْتَهِ

عَهْدِيْ الظَّالِمِيْنَ (بقره آیه ۱۲۴)

خداوند به ابراهیم وحی کرد که تورا پیشوای مردم قرار

می دهم ، ابراهیم گفت برای ذریه من نیز قرار بده ، (خطاب

آمد)

پیشوای مردم یک عهد الهی است و برای ستمگران از آن

نصیبی نیست .

ظلم و ستم ، یک نوع انحراف از حق است ، هر فردی که به نحوی از جناده

حق منحرف گردد ، نمونه ظلم و مصداق ستمگراست ، قرآن مجید شرک برای خدا را یک

نوع ظلم و ستم تلقی می کند و از لقمان حکیم نقل می کند که وی به فرزند خود چنین

توصیه کرد :

بقیه در صفحه ۱۲

● تقیه در تمام مکتبهای پیشرو
یک تاکتیک موثر بوده و خواهد بود
اما کدام تقیه؟

تقیه

ناصر مکارم شیرازی

گاهی جنگجویان با ایجاد دود یا مه مصنوعی خود را مستور می دارند و یا در تاریکی شب نقل و انتقالات لازم را انجام می دهند.

گاهی جنگجویان با ایجاد دود یا مه مصنوعی خود را مستور می دارند و یا در تاریکی شب نقل و انتقالات لازم را انجام می دهند.

گاهی جنگجویان با ایجاد دود یا مه مصنوعی خود را مستور می دارند و یا در تاریکی شب نقل و انتقالات لازم را انجام می دهند.

نقشه‌های جنگی همواره در نهایت اختفا انجام می‌گیرد،

جنگجویان همواره سعی دارند خود را از نظر دشمن پنهان دارند.

سلاحهای جنگی را در گوشه و کنار میدان جنگ در زیر برگهای درختان و شاخه‌های خشکیده، یا به وسیله گل مالی کردن مخفی می‌کنند.

اونیفورمهای سربازان معمولاً به شکلی تهیه می‌شود که در لابلاي موجودات مختلف محیط پنهان گردند.

حیات است و همه موجودات زنده برای حفظ خویشتن، بهنگام لزوم، از روش تقیه و استتار استفاده می‌کنند.

ماهی مخصوص مرکب هنگامی که احساس خطر می‌کند از کیسه مخصوص که در بدن او برای چنین لحظاتی ذخیره شده ماده سیاه رنگ و غلیظی درآب می‌ریزد، سپس از موقعیت استفاده کرده و از محل حادثه دور می‌شود.

بسیاری از حشرات هستند که اندام آنها با بال و پرشان به شکل شاخه های درختانی است که روی آنها می‌نشینند بطوریکه پیدا کردن آنها در آن محیط کار مشکلی است.

حیواناتی هستند که می‌توانند در چند لحظه تغییر رنگ دهند و خود را به رنگ محیط درآورند و با این سیستم دفاعی شگفت انگیز، و عجیب، از دیدگاه دشمن دور بمانند، جاندارانی که به هنگام خطر خود را به صورت جسم بیجان می‌آورند و در گوشه‌ای متوقف و به حرکت می‌مانند تا دشمن را به این وسیله اغفال کنند از همین روش "تقیه" بهره‌گیری دارند.

کوتاه سخن اینکه، آنها که می‌پندارند مساله تقیه از ویژگیهای اسلام یا از ویژگیهای "شیعه" است برداشت صحیحی از مفهوم "تقیه" ندارند یا برای فهم این

استفاده کردن از انواع "رمزها" برای استتار مقاصد مختلف، دامنه وسیعی در برنامه‌های سیاسی و نظامی و اقتصادی دنیای امروز دارد و گاه بی احتیاطی در حفظ کلیدهای "رمز" سبب شکست یک لشکر یا یک برنامه مهم سیاسی می‌گردد.

هیچکس نمی‌تواند اینگونه برنامه‌ها را - چنانچه در مسیر منافع انسانها قرار داشته باشد - تخطئه کند و با آنرا دلیل بر ترس و محافظه کاری بشمارد و بگوید در برنامه‌های نظامی و سیاسی نباید رمز و سری وجود داشته باشد یا اینکه سر باز بیاورد شجاعت کند و خود را آشکارا در تیررس دشمن قرار دهد، یا جنگجویان نباید از روش استتار در پنهان ساختن سلاحهای مهم خود استفاده کنند، و ماموران اطلاعاتی باید هویت خود را به دشمن آشکار بگویند و آنها را از مقاصد و نیت خود آگاه کنند.

اگر کسی چنین بگوید همه برفکرا و می‌خندند، اینها همه دلیل بر آن است که "تقیه" به معنی وسیع کلمه، در تمام مکتبهای جهان با تمام اختلافی که با هم دارند، وجود دارد، و این یک برنامه عمومی برای حفظ نیروها و جلوگیری از حیف و میل امکانات و سرمایه است.

بلکه اگر وسیع‌ترین دیدیم می‌بینیم این اصل یک قانون عمومی در سراسر عالم

گذشته روش تقيه به عنوان یک پل پیروزی بطور فراوان مورد استفاده قرار گرفته است . در جریان چهارمین پیکار "اعراب" و "اسرائیل" که در رمضان سال ۵۲ واقع گردید و افسانه شکست ناپذیری اسرائیل در همان ساعات نخستین جنگ در صحرای سینا در خاک مدفون گردید و خط دفاعی افسانه‌ای "بارلو" درهم کوبیده شد ، عامل استتار و تقيه یکی از مهمترین عوامل این پیروزی بود .

اگر مصریها و سوریها نقشه عظیم جنگی و نقل و انتقالات خود را تا آخرین لحظه مکتوم نمی داشتند هرگز اسرائیل به آن سادگی گرفتار شکست نمی شد .

در زندگی پیامبر اسلام (ص) که دوست و دشمن در شهامت و شجاعت و تدبیر او تردید ندارند مسائلی همانند سه سال دعوت مخفیانه ، و همچنین هجرت او که در کمال استتار صورت گرفت به طوری که آن حضرت از حلقه محاصره دشمن گذشت بدون آنکه متوجه شوند ، سپس پنهان شدن در عمق غار ثور ، و پیداده روی در شبها و مخفی ماندن در روزها تا موقعی که به مدینه رسید همه اینها اشکالی از تقيه و کتمان از نظر اعتقاد یا عمل است .

آیا هیچکس می تواند اینگونه مسائل را به عنوان ترس و محافظه کاری و نقطه

موضوع به گفتگوهای مخالفان قناعت کرده اند و با با حدس و تخمین و پیشداوری های بی دلیل مفهومی برای آن ساخته و به مبارزه با آن برخاسته اند ، و با بر سر لفظ دعوا دارند .

به هر صورت از مجموع آنچه در بالا آوردیم معلوم شد که روش تقيه و استتار هویت و عقیده باطنی و پنهان نگه داشتن موضع گیریها - به عنوان یک تاکتیک موثر و عاقلانه - موضوعی است که در همه مکتبها کم و بیش وجود دارد ، منتها هستند " اقلیت های صالح " ، در برابر اکثریت های ناصالح ، برای حفظ و نگهداری نیرو های خویش نیاز بیشتری به استفاده از این تاکتیک دارند .

بنابراین آنچه می شنویم که بعضی از مخالفان ما ، تقيه را به عنوان یکتوع ترس بدون دلیل ، یا محافظه کاریهای بدون دلیل و حفظ منافع شخصی و فداکردن مصالح نوع ... محکوم می کنند و آنرا دلیل بر ترس حریت و شهامت و آزادی معرفتی می نمایند اشتباهی است که از اشتباه دیگر سرچشمه گرفته و قضاوتی است عجولانه و دوار از انصاف و واقع بینی .



به همین دلیل در تاریخ معاصر و

ضعف معرفی کند .
 امام حسین (ع) که نمونه بارز شکنندگان سد تقیه است به موقع نزوم برای پیشبرد اهداف مقدسش ، برای کوبیدن دستگاه ظلم و ستم و کفر و بی ایمانی و جهل و جنایت از این برنامه بهره می گرفت .
 خروج شبانه اش از مدینه ، و خروج از مکه در حالی که همگان سرگرم مراسم حج یا مقدمات آن بودند مظاهری از تقیه تاکتیکی است .
 طرحی را که جنگجویان اسلام در میدان " مونه " برای ایجاد تزلزل در روحیه سپاه عظیم یکمدهزار نفری امپراطوری روم شرقی که بیش از سی برابر سپاه اسلام بود .
 با طرحی که پیامبر اسلام (ص) برای فتح مکه در نهایت اختفاء ربخت که حتی نزدیکترین اصحابش از آن اطلاع نداشتند و موارد فراوان دیگری مانند اینها دلیل بر آن است که روش تقیه (البته در موارد خاصی) موثر ترین روش برای حفظ نیروها و رسیدن به پیروزی نهایی یا دست زدن به موثرترین حملات بردشمن که ضایعات آن در یک سو به حداقل و در طرف مقابل به حد اکثر رسد ، بوده است ، و آنها که قلم سرخ بر این عنوان می کشند خود نمی دانند چه چیز را نفی می کنند ، و یا با مفهوم نادرستی که خود از تقیه ساخته اند مبارزه دارند .
 بقیه دارد

بقیه: پیشوای پرهنرگان ...

يَا بَنِي لَا تُشْرِكُوا بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ (لقمان آیه ۱۳)
 فرزندانم برای خداوند شریکی قرار مده زیرا شرک ستمی است بزرگ .

خلاصه آنکه فرد ستمگر به خاطر تجاوز از مرز حق و حقیقت نمی تواند مدل زندگی ، و الگوی انسانها باشد رهبر و پیشوا باید آن چنان پاک و پیراسته از گناه و آلودگی گردد که پیروان خود را از مرز حقیقت بیرون نبرد .

- ۱- دیباچه ای بر رهبری ص ۶۹
- ۲- نهج البلاغه خطبه ۱۵۹